

در اصل قداست جان و خرد انسانی ...

نها راه آزادی و استقلال ایران، آنست که اسلام، در چهارچوبه «اصل قداست جان و خرد انسانی» قرار داده شود که بنیاد فرهنگ ایرانست. شریعت اسلام در ایران، فقط حق موجودیت خواهد داشت، اگر خود را در چهارچوبه «اصل قداست جان و خرد انسانی» قرار دهد.

«جمهوری ایرانی»، این معنار را دارد. فرهنگ ایران، رویاروی شریعت بی فرهنگ اسلام میایستند. بدینسان، حق امر به معروف و نهی از منکر، و حق فتوای قتل و حق فتوای جهاد و قصاص، بکلی کنار نهاده میشوند، و آخوند، قدرت خود را به کلی با این ها از دست میدهد.

این فرهنگ، همان سخن نیست که رستم به بهمن زرتشتی که دست به خشونت جهاد برای ترویج دین زرتشتی زده بود گفت: *زمن هست تاهست ایران بیای.* این همان حرفیست که ایرج که ارتا یا سیمرغ باشد به زورمندان و قهرورزان آن زمان گفت: *میآزار موری که دانه کش است که «جان» دارد و جان شیرین خوش است.*

این همان حرفیست که حاقظ گفت: *مباش در پی آزار (قهر و نهید) هر چه خواهی کن — که در شریعت ما (این شریعت همان دین مردمی ایرج هست) غیر از این گناهی نیست. قدرت آخوندها را فقط و فقط با «اصل قداست جان و خرد انسانی» میتوان مهار کرد، نه با اسلامهای راستین، که مانند قارچ از هر طرف میرویند، و مخرج مشترک همه اشان، دروغ است. جمهوری ایرانی، بر پایه این اصل قرار میگیرد و همه حقوق بشر از این اصل، استنتاج میگردد.*

منوچهر جمالی